

بررسی مهارت‌های کسب و کار و کارآفرینانه (کارآموزان مرکز آموزش فنی و حرفه‌ای خواهران ایوان)

رضا صیدی^۱
همایون مرادنژادی^۲
حسین مهدی‌زاده^۳

چکیده

پژوهش حاضر از نظر هدف، کاربردی و از نظر ماهیت داده‌ها کمی و از نظر شیوه گردآوری داده‌ها توصیفی - پیمایشی است. جامعه آماری این پژوهش، کارآموزان دختر مرکز آموزش فنی و حرفه‌ای خواهران ایوان به تعداد ۳۰ نفر بودند که به صورت تمام شماری مورد مطالعه قرار گرفته‌اند. ابزار گردآوری داده‌ها، پرسشنامه‌ی محقق ساخته‌ای بوده که روایی آن به تایید سه نفر از اعضای گروه کارآفرینی دانشگاه ایلام رسید. پایایی پژوهش با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ برای بخش‌های مختلف پرسش‌نامه از ۰/۷۲ تا ۰/۹۴ محاسبه گردید که بیانگر مناسب بودن پایایی پرسش‌نامه بود. نتایج پژوهش نشان داد که میزان آشنایی کارآموزان با مفاهیم و مهارت‌های کارآفرینی، آمادگی ورود به کسب و کار، روش‌های تامین مالی و مهارت‌های ارتباطات بالاتر از حد متوسط بوده است. و میزان آشنایی کارآموزان در موارد راه اندازی کسب و کار، مهارت بازاریابی، مهارت‌های مالی و حسابداری، مهارت‌های مدیریتی و مهارت منابع انسانی پایین‌تر از حد متوسط بوده است.

کلیدواژه‌ها: مهارت‌های کارآفرینانه، آموزش‌های فنی و حرفه‌ای، کارآموزان

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

^۱ کارشناس ارشد مدیریت کارآفرینی و توسعه روستایی؛ دانشگاه ایلام
^۲ دانشیار گروه کارآفرینی و توسعه روستایی، دانشگاه ایلام
^۳ استادیار گروه کارآفرینی و توسعه روستایی، دانشگاه ایلام

افزایش بیکاری جوانان یکی از مهم‌ترین مشکلات اقتصادی جوامع امروز جهان است. به طور مشابه برای کشورهای کمتر توسعه یافته و در حال توسعه در طول دهه آینده باید حداقل ۴۷۵ میلیون شغل جدید برای جذب ۷۳ میلیون جوان در حال حاضر بیکار و ۴۰ میلیون نفر برای ورود سالانه جدید در بازار کار بوجود آورد (unesco, 2016-2021). هر جامعه‌ای به دنبال آن است که زمینه را برای توسعه فعالیت‌های کارآفرینانه فراهم کرده و بخش قابل توجهی از سرمایه خود را در این مسیر هدایت کند (Boz & Ergenli, 2014). کارآفرینان نقش کلیدی در توسعه اقتصادی و تحولات اجتماعی دارند (Kolvereid, 1997). کارآفرینی فرآیندی از توسعه و آوردن یک نگاه جدید به زندگی است، نگاهی که ممکن است یک ایده خلاقانه، یک فرصت ساده و روش‌های بهتری برای انجام کاری باشد (مرزبان، ۱۳۹۶). بسیاری از صاحب‌نظران معتقدند که از عمده‌ترین عوامل تعیین کننده سطح کارآفرینی در هر کشوری آموزش کارآفرینی است (Valerio et al, 2014). کشور ما نیز در سال‌های اخیر توجه ویژه‌ای به آموزش کارآفرینی در سطوح و اقسام مختلف داشته است (عسگری فرد و همکاران، ۱۳۹۷). آموزش کارآفرینی فرآیندی برای آماده کردن افراد با توانایی شناخت فرصت‌های تجاری، عزت نفس، دانش، مهارت و بینش برای عمل کردن در آنهاست (Olugbola, 2017). تحقیقات نشان می‌دهد که نگرش‌ها و مهارت‌های کارآفرینی می‌تواند در درون چهارچوب برنامه‌های آموزش کارآفرینی توسعه داده شوند یا تصحیح شوند (Tudor, 2013). در واقع مهارت‌های کارآفرینانه مهارت‌های مورد نیاز برای موفقیت در کسب و کاری هستند که افراد را قادر می‌سازند تا یک نگاه اقتصادی را راه‌اندازی و تامین مالی کرده و آن را به شکل موفق گسترش دهند (Adeyemo, 2009). در یک تقسیم‌بندی مهارت‌های مورد نیاز کارآفرینان به سه دسته، مهارت‌های شخصی (ریسک‌پذیری، نوآوری، کنترل و نظم درونی) مهارت‌های فنی (ارتباطات شفاهی یا کلامی، مدیریت کسب و کار) و مهارت‌های مدیریتی (برنامه‌ریزی و تعیین اهداف، تصمیم‌گیری، بازاریابی، راه‌اندازی کسب و کار، مهارت‌های مالی و حسابداری، مذاکره) تقسیم می‌شوند (هیستریچ و همکاران، ۱۳۸۳). ایران در شاخص تامین مالی کارآفرینانه رتبه ۵۳ را از میان ۵۴ کشور کسب کرده که نشان دهنده وضعیت نامطلوب کشورمان در این بعد از چهارچوب کارآفرینانه است (الیاسی و نوتاش ۱۳۹۰؛ آراستی و غلامی، ۱۳۸۹). کارآفرینی در

بازاریابی به واکنش مناسب، پاسخگویی و داشتن روحیه فرصت‌طلبانه اشاره می‌کند و مباحثی نظیر نوآوری‌گرایی و ارتباط با مشتری وجه تشابه کارآفرینی و بازاریابی است (سیف و همکاران، ۱۳۹۷). یانگ (۲۰۱۸) چهار بعد اصلی بازاریابی کارآفرینانه را فرصت‌شناسی، برقراری ارتباط نزدیک با مشتری، افزایش منابع و ارایه محصولات نوآورانه با در نظر گرفتن نیازهای پویای مشتریان شناسایی کرد. مهارت‌های تخصصی و انسانی نیز برای رویکرد کارآفرینی ضروری است (شرفی و همکاران، ۱۳۹۶). یکی از سرمایه‌هایی که می‌تواند به عنوان مزیت رقابتی در اقتصاد کارآفرینی مطرح شود، نیروی انسانی است (Boz&Ergenli, 2014). آموزش‌های فنی و حرفه‌ای نقش مهمی در تشکیل سرمایه انسانی از طریق تربیت نیروهای ماهر مورد نیاز بازار کار در کشورهای مختلف جهان ایفا می‌کنند. این آموزش‌ها در کشورهای در حال توسعه نه تنها عهده‌دار تربیت نیروی کار مورد نیاز بخش‌های مختلف اقتصاد این کشورها هستند بلکه از طریق بسترسازی خود اشتغالی، به حل مشکل بیکاری نیز کمک می‌کنند (Oates, 2010). تربیت نیروی انسانی مورد نیاز جوامع در قالب آموزش‌های فنی و حرفه‌ای از اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم مورد توجه بسیاری از کشورهای جهان قرار گرفت (آغاز، ۱۳۸۱). در بیشتر کشورهای جهان در کنار مقاطع تحصیلی آموزش‌های عمومی، آموزش‌های فنی و حرفه‌ای نیز مورد نظر واقع شده‌اند (بکر ۱۹۶۴، به نقل از نادری ۱۳۹۰). از جمله آن کشورها می‌توان از هند نام برد که از زمان شروع برنامه‌ریزی در این کشور در سال ۱۹۵۰ تا کنون دولت آن همیشه بر افزایش فرصت‌های اشتغال و در نهایت ریشه کنی بیکاری از کشور تأکید داشته است. با این وجود، نرخ بیکاری در میان جوانان به دلیل کمبود امکانات افزایش یافته است. به این دلیل کشور سیاست‌های دیگری را که اغلب آنها بر اشکال مختلف آموزش‌های فنی و حرفه‌ای متکی است، از جمله روش‌های مهم پذیرش حرفه‌گرایی در آموزش متوسطه در سال‌های ۱۹۸۶ و ۱۹۹۲ به اجرا گذاشته است. اهداف طراحی شده برای سال‌های ۱۹۹۵ - ۲۰۰۰ سوق دادن ۱۰ تا ۲۵ درصد از دانش‌آموزان دبیرستانی برای مطالعه در زمینه‌های حرفه‌ای فراتر از دریافت گواهی امتحانات دبیرستان بود. اهداف این طرح عبارت بودند از: بهبود قابلیت‌های شغلی در دانش‌آموزان، کاهش شکاف بین عرضه و تقاضای نیروی

انسانی ماهر و ایجاد یک جایگزین برای کسانی که آموزش‌های عالی را بدون هدف خاصی دنبال می‌کردند (Mourshed et al, 2013). همچنین بر اساس یک مطالعه انجام شده در کشور آمریکا، در پاسخ به سؤالی در مورد جایگاه و عملکرد آموزش‌های فنی و حرفه‌ای، ۷۶ درصد بر این باور بودند که باید به این آموزش‌ها توجه بیشتری مبذول شود؛ ۹۰ درصد آنان قبول داشتند که دانش آموختگان فنی و حرفه‌ای شانس دریافت‌های مالی بالاتری را نسبت به آموزش‌های عمومی خواهند داشت؛ ۹۲ درصد موافق بودند که آموزش‌های فنی و حرفه‌ای علاقه افراد را به ادامه تحصیل در مراتب بالای حرفه‌ای ارتقا می‌بخشند؛ ۹۸ درصد آموزش‌های استاد و شاگردی و کارآموزی در محیط‌های کاری را برای فراگیران ضروری دانسته و فقط ۴ درصد از آنها آموزش‌های فنی و حرفه‌ای را فاقد جایگاه شغلی بالا منظور کرده بودند (Badawi, 2011). همچنین نتایج پژوهش ذوالفقاری (۱۳۸۵) که به بررسی ارزشیابی دوره‌های آموزش فنی حرفه‌ای غیر رسمی استان خراسان شمالی پرداخته است نشان داد که کارآموزان معتقدند که آموزش فنی و حرفه‌ای مهارت‌ها و توانایی‌های مورد نیاز بازار را فراهم می‌کند. کاشانی و همکاران (۱۳۹۶) در پژوهشی عوامل موثر بر فعالیت‌های کارآفرینی دانشجویان رشته کشاورزی دانشگاه فنی و حرفه‌ای تهران را بررسی و به نتیجه گرفتند که متغیرهای محتوی آموزشی، عوامل شخصیتی و روش‌های آموزشی بیشترین تاثیر را بر مهارت‌های کارآفرینی داشته‌اند. دیزجی و زینی (۱۳۹۷) تاثیر آموزش‌های دانشگاهی بر توسعه مهارت‌های کارآفرینی زنان را بررسی و نتیجه گرفتند که آموزش‌های دانشگاهی بر توسعه مهارت‌های کارآفرینی (مهارت‌های شخصی، مدیریتی و فنی) تاثیر دارند. یافته‌های پژوهش وودز (۲۰۰۸) نشان داد که افراد جوانی که تجربه شرکت در آموزش‌های فنی و حرفه‌ای را داشته‌اند، برونداد بهتری در مقایسه با افرادی دارند که این آموزش‌ها را ندیده‌اند. همچنین، افراد آموزش دیده سهولت انتقال به کارهای مختلف را نسبت به هم‌تایان آموزش ندیده دارند. رضوانی و نجارزاده (۲۰۰۹) در پژوهشی با عنوان بررسی و تحلیل دانش کارآفرینی روستاییان در فرآیند توسعه روستایی به این نتیجه رسیدند که میزان آگاهی افراد روستایی از مولفه‌های کارآفرینی در حد کم و خیلی کم است. استریک و همکاران (۲۰۱۰) تاثیر آموزش‌های کارآفرینانه بر انگیزش و مهارت‌های کارآفرینانه فراگیران مراکز آموزشی هلند را بررسی و به این نتیجه دست یافتند که آموزش کارآفرینی در مهارت‌های کارآفرینانه تاثیر ندارد. حسین پور و رضایی (۲۰۱۱) نگرش دانشجویان کشاورزی به کارآفرینی را بررسی

به این نتیجه دست یافتند که نداشتن اطلاعات لازم درباره راه‌اندازی کسب و کار و ناتوانی در تامین منابع مالی را از مهمترین موانع تمایل دانشجویان به کارآفرینی می‌باشد. سانچز (۲۰۱۱) در تحقیق خود به این نتیجه رسید که دوره‌ها و برنامه‌های آموزشی خودباوری، خطر پذیری، و قصد خوداشتغالی را در دانشجویان پرورش می‌دهد. دین و همکاران (۲۰۱۶) اثر بخشی برنامه‌های آموزش کارآفرینی در ارتقای مهارت‌های کارآفرینی در بین دانشجویان را بررسی و به این نتایج دست یافتند که ارتباط قوی بین برنامه‌ریزی کسب و کار، ریسک‌پذیری، عزت نفس و اثربخشی برنامه‌های آموزشی وجود دارد.

به دلیل اهمیت آموزش‌های فنی و حرفه‌ای در اشتغال نیروی کار آینده از یک سو و از طرف دیگر نتایج نامطلوب و نسبتاً ضعیف از انجام چنین آموزش‌هایی نیاز به بررسی نتایج این آموزش‌ها در دنیای واقعی ضروری به نظر می‌رسد. مساله‌ی مهمی که وجود دارد این است که کارآموزان مراکز آموزش فنی و حرفه‌ای تا چه حدی با مهارت‌های کسب و کار و کارآفرینانه آشنایی دارند. بنابراین این پژوهش با هدف بررسی مهارت‌های کسب و کار و کارآفرینانه کارآموزان مرکز آموزش فنی و حرفه‌ای خواهران ایوان برای روشن شدن نیاز آموزشی آنان در مورد مهارت‌های کسب و کار و کارآفرینانه است.

روش‌شناسی پژوهش

همان‌طور که اشاره شد پژوهش حاضر با هدف بررسی مهارت‌های کسب و کار و کارآفرینانه کارآموزان مرکز آموزش فنی و حرفه‌ای خواهران ایوان و در قالب پژوهش توصیفی پیمایشی انجام شده است. جامعه آماری این پژوهش، کارآموزان دختر مرکز آموزش فنی و حرفه‌ای خواهران ایوان به تعداد ۳۰ نفر بودند که به صورت تمام شماری مورد مطالعه قرار گرفتند. ابزار گردآوری داده‌ها، پرسش‌نامه‌ی محقق ساخته‌ای بوده که پس از بررسی پیشینه تحقیق و مطالعات کتابخانه‌ای و همچنین جستجوهای اینترنتی و بهره‌گرفتن از نظرات اساتید و کارشناسان، سیزده حیطه برای مهارت‌های کسب و کار و کارآفرینانه در نظر گرفته شد که در نهایت منجر به تدوین پرسش‌نامه ۵۰ سوالی شد که براساس مقیاس پنج گزینه‌ای لیکرت از خیلی کم تا خیلی زیاد (امتیاز ۱ تا ۵) تنظیم گردید. گزینه‌های این طیف شامل "خیلی کم"،

"کم"، "متوسط"، "زیاد" و "خیلی زیاد" بود. در این گویه‌ها مقدار عددی یک برای "خیلی کم" و مقدار عددی پنج نیز برای "خیلی زیاد" در نظر گرفته شده بود که روایی آن به تایید سه نفر از اعضای هیات علمی گروه کارآفرینی و توسعه روستایی دانشگاه ایلام رسید. پایایی ابزار پژوهش نیز با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ برای مفاهیم و مهارت‌های کارآفرینی (۰/۹۴)، آمادگی ورود به کسب و کار (۰/۸۵)، روش‌های تامین مالی (۰/۷۲)، راه‌اندازی کسب و کار (۰/۸۴)، مهارت بازاریابی (۰/۸۶)، مهارت فروش (۰/۸۴)، مهارت خدمات (۰/۷۱)، مهارت‌های ارتباطات (۰/۷۵)، مهارت‌های مالی و حسابداری (۰/۹)، مهارت تثبیت کار (۰/۸۱)، مهارت‌های تصمیم‌گیری (۰/۸۹)، مهارت‌های مدیریتی (۰/۹۲) و مهارت منابع انسانی (۰/۸۸) به دست آمد که بیانگر مناسب بودن پایایی پرسش‌نامه بود. پس از پایان کارگاه آموزشی مهارتی کارآموزان، با استفاده از ابزار پژوهش نسبت به گردآوری داده‌ها با هدف بررسی میزان آشنایی آنها با مفاهیم کارآفرینی و کسب و کار اقدام گردید. تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از نرم افزار SPSS انجام گردید.

نتایج و بحث

بررسی میزان تحصیلات افراد مورد مطالعه نشان داد که ۱۰ درصد از آنها زیر دیپلم ۴۰ دیپلم و ۵۰ درصد دارای تحصیلات دانشگاهی بوده‌اند. همچنین توصیف فراوانی سابقه راه‌اندازی کسب و کار افراد مورد مطالعه نشان داد که ۲۷٪ کارآموزان دارای سابقه راه‌اندازی کسب و کار و ۷۳٪ آن‌ها در گذشته کسب و کار نداشته‌اند. همچنین توصیف فراوانی کارآموزان مورد مطالعه نشان داد که ۷۷٪ کارآموزان تمایل به راه‌اندازی کسب و کار در آینده دارند و ۲۳٪ از آن‌ها تمایلی به راه‌اندازی کسب و کار در آینده ندارند.

میزان آشنایی کارآموزان با مفاهیم و مهارت‌های کارآفرینی

یافته‌ها نشان داد که از میان گویه‌های مفاهیم و مهارت‌های کارآفرینی (جدول ۱)، آشنایی با مفهوم خلاقیت با میانگین ۳/۵۸ بیشترین مقدار و آشنایی با اصول طراحی و تدوین طرح کسب و کار با میانگین ۲/۷۱ کمترین مقدار بوده است. با توجه به میانگین کلی حاصل (۳/۱۹) در این خصوص می‌توان گفت که میزان آشنایی کارآموزان با اصول طراحی و تدوین طرح کسب و کار و مفهوم نوآوری پایین‌تر از حد «متوسط» بوده است. این یافته با نتایج پژوهش‌های مالک‌پور و دلاور (۱۳۹۴)، رضوانی و نجارزاده (۲۰۰۹) و صالحی و رستمی

(۱۳۸۸) همخوانی دارد و با نتایج پژوهش‌های شکاری و همکاران (۱۳۸۸) و وودز (۲۰۰۸) همخوانی ندارد. این یافته نشان می‌دهد که دانش کارآموزان درباره اصول طراحی و تدوین طرح کسب و کار و نیز مفهوم نوآوری کم است.

جدول ۱- میزان آشنایی کارآموزان با مفاهیم و مهارت‌های کارآفرینی

ردیف	میانگین رتبه‌های	میانگین رتبه‌های	میانگین رتبه‌های	میزان آشنایی					گویه‌ها	ردیف
				کمتر از ۲	۲ تا ۳	۳ تا ۴	۴ تا ۵	بیشتر از ۵		
۱	۰/۳۲	۳/۳۴	۱/۰۸	۵	۶	۱۴	۲	۲	آشنایی با مفهوم کارآفرینی	۱
۳	۰/۳۹	۳/۲۵	۱/۲۶	۵	۸	۷	۵	۳	آشنایی با مفهوم ریسک‌پذیری	۲
۵	۰/۴۶	۳/۰۳	۱/۴۰	۶	۶	۴	۹	۴	آشنایی با مفهوم نوآوری	۳
۲	۰/۳۵	۳/۵۸	۱/۲۴	۶	۱۰	۶	۱	۳	آشنایی با مفهوم خلاقیت	۴
۴	۰/۴۵	۳/۲۶	۱/۴۸	۸	۵	۴	۶	۴	آشنایی با مفهوم فرصت شناسی	۵
۶	۰/۵۰	۲/۷۱	۱/۳۶	۵	۲	۶	۱۰	۵	آشنایی با اصول طراحی و تدوین طرح کسب و کار	۶
میانگین کل: ۳/۱۹										

میزان آشنایی کارآموزان با آمادگی ورود به کسب و کار

بر اساس اطلاعات گردآوری شده از میان گویه‌های آمادگی ورود به کسب و کار (جدول ۲)، آشنایی با اهمیت نقش خانواده و دوستان در موفقیت کسب و کار با میانگین ۴/۲ بیشترین مقدار و اهمیت انتخاب کسب و کار براساس مهارت شخصی با میانگین ۳/۸۸ کمترین مقدار بوده است. با توجه به میانگین کلی حاصل (۴/۰۵) در این خصوص می‌توان گفت که میزان آشنایی کارآموزان با اهمیت انتخاب کسب و کار براساس مهارت شخصی و نیز انگیزه ورود به کسب و کار پایین‌تر از حد «متوسط» بوده است. این یافته همسو با نتایج پژوهش‌های احمدی (۱۳۸۵) و سانچز (۲۰۱۱) و برخلاف نتایج پژوهش‌های بند پی (۱۳۹۱) و ویلسون و همکاران (۲۰۱۳) می‌باشد. این یافته نشان دهنده این نکته است که دانش کارآموزان درباره

اهمیت انتخاب کسب و کار براساس مهارت شخصی و نیز انگیزه ورود به کسب و کار کم است.

جدول ۲- میزان آشنایی کارآموزان با مفاهیم آمادگی ورود به کسب و کار

ردیف	گویه‌ها	میزان آشنایی					انحراف معیار	میانگین رتبه‌ای	ضریب تغییرات	رتبه
		کمتر از ۶	۶	میانگین	زیاد	بیشتر از ۱۰				
۱	انگیزه ورود به کسب و کار	۰	۲	۷	۱۰	۱۰	۰/۹۴	۳/۹۶	۰/۲۴	۳
۲	اهمیت انتخاب کسب و کار براساس مهارت شخصی	۱	۲	۴	۱۱	۸	۱/۰۷	۳/۸۸	۰/۲۷	۴
۳	آمادگی ذهنی ورود به کسب و کار	۰	۳	۲	۱۲	۱۳	۰/۹۵	۴/۱۷	۰/۲۳	۲
۴	آشنایی با اهمیت نقش خانواده و دوستان در موفقیت کسب و کار	۰	۰	۶	۱۲	۱۲	۰/۷۶	۴/۲	۰/۱۸	۱
میانگین کل: ۴/۰۵										

میزان آشنایی کارآموزان با روش های تامین مالی

نتایج بیانگر این نکته بود که از میان گویه‌های روش های تامین مالی (جدول ۳)، آشنایی با انواع روش های تامین مالی با میانگین ۳/۱۴ بیشترین میزان و آشنایی با نحوه محاسبه نرخ بهره با میانگین ۲/۵۲ کمترین مقدار بوده است. با توجه به میانگین کلی حاصل (۲/۹) در این خصوص می‌توان گفت که میزان آشنایی کارآموزان با نحوه محاسبه نرخ بهره پایین‌تر از حد «متوسط» بوده است. این یافته نشان دهنده این نکته است که کارآموزان درباره نحوه محاسبه نرخ بهره نیاز به فراگیری دارند.

جدول ۳- میزان آشنایی کارآموزان با روش های تامین مالی

ردیف	گویه‌ها	میزان آشنایی					انحراف معیار	میانگین رتبه‌ای	ضریب تغییرات	رتبه
		کمتر از ۶	۶	میانگین	زیاد	بیشتر از ۱۰				
۱	آشنایی با روش های تامین مالی	۴	۵	۹	۵	۶	۱/۳۳	۳/۱۴	۰/۴۲	۱
۲	آشنایی با وام‌های کوتاه و بلند مدت	۳	۹	۷	۵	۵	۱/۲۸	۳	۰/۴۳	۲

۳	۰/۴۸	۲/۵۲	۱/۲۱	۳	۱	۱۱	۷	۷	آشنایی با نحوه محاسبه نرخ بهره	۳
میانگین کل: ۲/۹										

میزان آشنایی کارآموزان با راه اندازی کسب و کار

بر اساس اطلاعات گردآوری شده از میان گویه‌های راه‌اندازی کسب و کار (جدول ۴)، آشنایی با چگونگی استفاده از تسهیلات بانکی با میانگین ۲/۶۷ بیشترین میزان و آشنایی با قوانین و مقررات بیمه‌ها و قراردادهای با میانگین ۲/۱۱ کمترین مقدار بوده است. با توجه به میانگین کلی حاصل (۲/۳۴) در این خصوص می‌توان گفت که میزان آشنایی کارآموزان با قوانین و مقررات شروع و راه‌اندازی کسب و کار و آشنایی با قوانین و مقررات بیمه‌ها و قراردادهای پایین‌تر از حد «متوسط» بوده است. این یافته با نتایج پژوهش حسین‌پور و رضایی (۲۰۱۱) همخوانی دارد. این یافته نشان دهنده این نکته است که دانش کارآموزان درباره قوانین و مقررات شروع و راه‌اندازی کسب و کار و قوانین و مقررات بیمه‌ها و قراردادهای کم است.

جدول ۴- میزان آشنایی کارآموزان با راه اندازی کسب و کار

ردیف	میانگین رتبه‌ای	میانگین رتبه‌ای	میانگین رتبه‌ای	میزان آشنایی					گویه‌ها	ردیف
				بسیار زیاد	زیاد	متوسط	کم	بسیار کم		
۱	۰/۴۷	۲/۶۷	۱/۲۷	۴	۱	۱۳	۵	۷	آشنایی با چگونگی استفاده از تسهیلات بانکی	۱
۳	۰/۶۲	۲/۱۱	۱/۳۱	۲	۳	۴	۶	۱۳	آشنایی با قوانین و مقررات بیمه‌ها و قراردادهای	۲
۲	۰/۵۰	۲/۲۴	۱/۱۲	۱	۳	۷	۹	۹	آشنایی با قوانین و مقررات راه اندازی کسب و کار	۳
میانگین کل: ۲/۳۴										

این یافته با نتایج پژوهش استریبیک و همکاران (۲۰۱۰) همخوانی دارد و با نتایج پژوهش‌های کاشانی و همکاران (۱۳۹۶)، دیزجی و زینی (۱۳۹۷) همخوانی ندارد. این یافته نشان دهنده این

نکته است که کارآموزان درباره مهارت‌های بازاریابی، انواع راهبردهای بازاریابی و انواع بازاریابی نیاز به آموزش دارند.

جدول ۵- میزان آشنایی کارآموزان با مهارت های بازاریابی

رتبه	ضریب تغییرات	میانگین رتبه‌ای	انحراف معیار	میزان آشنایی					گویه‌ها	ردیف
				خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم	بسیار کم		
۴	۰/۵۱	۲/۳	۱/۱۸	۱	۴	۸	۷	۱۰	آشنایی با مهارت‌های بازاریابی	۱
۱	۰/۳۹	۲/۶۵	۱/۰۴	۲	۲	۱۳	۸	۴	آشنایی با اصول و روش‌های تبلیغاتی	۲
۲	۰/۴۱	۲/۲۸	۰/۹۴	۰	۳	۸	۱۱	۶	آشنایی با انواع بازاریابی	۳
۳	۰/۴۲	۲/۳۶	۰/۹۹	۱	۱	۱۱	۹	۶	آشنایی با انواع راهبردهای بازاریابی	۴
میانگین کل: ۲/۴										

میزان آشنایی کارآموزان با مهارت فروش

بر اساس اطلاعات گردآوری شده از میان گوئی‌های مهارت فروش (جدول ۶)، آشنایی با روش‌های ترغیب مردم برای خرید محصولات با میانگین ۲/۶۷ بیشترین میزان و آشنایی با اصول تعیین ارزش و قیمت برای محصول با میانگین ۲/۶۳ کمترین مقدار بوده است با توجه به میانگین کلی حاصل (۲/۶۵) در این خصوص می‌توان گفت که میزان آشنایی

جدول ۶- میزان آشنایی کارآموزان با مهارت فروش

رتبه	ضریب تغییرات	میانگین رتبه‌ای	انحراف معیار	میزان آشنایی					گویه‌ها	ردیف
				خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم	بسیار کم		
۲	۰/۳۸	۲/۶۳	۰/۹۹	۱	۵	۹	۱۲	۳	آشنایی با اصول تعیین ارزش و قیمت برای محصول	۱
۳	۰/۴۱	۲/۶۷	۱/۱	۳	۰	۱۶	۶	۵	آشنایی با روش‌های ترغیب مردم	۲

									برای خرید محصولات
۱	۰/۲۸	۲/۶۵	۰/۷۴	۰	۲	۱۵	۷	۲	آشنایی با راهکارهای ترویج فروش
میانگین کل: ۲/۶۵									

کارآموزان با اصول تعیین ارزش و قیمت برای محصول پایین‌تر از حد «متوسط» بوده است. این یافته نشان دهنده این نکته است که دانش کارآموزان درباره اصول تعیین ارزش و قیمت برای محصول کم است.

میزان آشنایی کارآموزان با مهارت خدمات

یافته‌های پژوهش بیانگر این نکته بود که از میان گویه‌های مهارت خدمات آشنایی با نحوه ارائه خدمات به مشتریان با میانگین ۳/۱ بیشترین میزان و آشنایی با نحوه ارائه خدمات در شرایط بحران با میانگین ۲/۶ کمترین مقدار بوده است. با توجه به میانگین کلی حاصل (۲/۸۵) در این خصوص می‌توان گفت که میزان آشنایی کارآموزان با نحوه ارائه خدمات در شرایط بحران پایین‌تر از حد «متوسط» بوده است.

جدول ۷- میزان آشنایی کارآموزان با مهارت خدمات

رتبه	ضریب تغییرات (CV)	میانگین رتبه‌ای	انحراف معیار	میزان آشنایی					گویه‌ها	رتبه
				پنجی زیاد	زیاد	متوسط	کم	پنجی کم		
۱	۰/۳۵	۳/۱	۱/۰۹	۲	۱۰	۱۰	۵	۳	آشنایی با نحوه ارائه خدمات به مشتریان	۱
۲	۰/۳۷	۲/۶	۰/۹۷	۰	۵	۱۳	۷	۵	آشنایی با نحوه ارائه خدمات در شرایط بحران	۲
میانگین کل: ۲/۸۵										

میزان آشنایی کارآموزان با مهارت‌های ارتباطات

بر اساس اطلاعات گردآوری شده از میان گویه‌های مهارت‌های ارتباطات (جدول ۸)، آشنایی با توانایی‌های لازم برای برقراری ارتباط با میانگین $3/68$ بیشترین میزان و آشنایی با فنون برقراری ارتباط موثر با میانگین $2/63$ کمترین مقدار بوده است. با توجه به میانگین کلی حاصل ($3/19$) در این خصوص می‌توان گفت که میزان آشنایی کارآموزان با فنون برقراری ارتباط موثر، اصول چانه زنی و نحوه بیان صریح و روشن اطلاعات پایین‌تر از حد «متوسط» بوده است. این یافته نشان می‌دهد که دوره‌های آموزشی مهارتی برگزار شده نتوانسته است دانش کارآموزان درباره فنون برقراری ارتباط موثر، آشنایی با اصول چانه‌زنی و نحوه بیان صریح و روشن اطلاعات افزایش دهد.

میزان آشنایی کارآموزان با مهارت‌های مالی و حسابداری

بر اساس اطلاعات جدول (۹)، از میان گویه‌های مهارت‌های مالی و حسابداری آشنایی با روش‌های برآورد دقیق و کنترل هزینه با میانگین $2/86$ بیشترین میزان و آشنایی با اصول پرداخت پاداش‌ها با میانگین $2/37$ کمترین مقدار بوده است. با توجه به میانگین کلی حاصل ($2/58$) در این خصوص می‌توان گفت که میزان آشنایی کارآموزان با اصول پرداخت پاداش‌ها، بهای تمام شده و سود خالص و سرمایه ثابت و در گردش پایین‌تر از حد «متوسط» بوده است.

جدول ۸- میزان آشنایی کارآموزان با مهارت‌های ارتباطات

ردیف	میانگین رتبه‌های	انحراف معیار	میزان آشنایی					گویه‌ها	رتبه
			بسیار زیاد	زیاد	متوسط	کم	بسیار کم		
۵	۰/۳۹	۲/۶۳	۱/۰۳	۰	۶	۱۳	۵	۶	آشنایی با فنون برقراری ارتباط
۲	۰/۲۷	۳/۶۸	۰/۹۸	۵	۱۳	۷	۲	۱	آشنایی با توانایی‌های لازم برای برقراری ارتباط
۴	۰/۳۵	۲/۷۸	۰/۹۷	۰	۷	۱۰	۷	۳	آشنایی با اصول چانه‌زنی
۳	۰/۳۲	۲/۹	۰/۹۴	۰	۸	۱۳	۵	۳	آشنایی با نحوه بیان صریح و روشن اطلاعات
۱	۰/۲۲	۳/۵۹	۰/۸۰	۲	۱۵	۷	۳	۰	آشنایی با اهمیت بکارگیری

عبارات منطقی										
۱	۰/۲۲	۳/۵۵	۰/۷۸	۲	۱۵	۹	۳	۰	آشنایی با اهمیت متانت و خونسردی	۶
میانگین کل: ۳/۱۹										

این یافته با نتایج پژوهش‌های چاووشی و همکاران (۱۳۸۹)، لکوکو و همکاران (۲۰۱۲) همخوانی دارد و با نتایج پژوهش‌های کاشانی و همکاران (۱۳۹۶)، دربان آستانه و همکاران (۱۳۹۱) همخوانی ندارد. این یافته نشان دهنده این نکته است که دانش کارآموزان درباره اصول پرداخت پاداش‌ها، بهای تمام شده و سود خالص و سرمایه ثابت و در گردش کم است.

جدول ۹- میزان آشنایی کارآموزان با مهارت های مالی و حسابداری

ردیف	میزان آشنایی	گویه‌ها	میزان آشنایی				میانگین	انحراف معیار	میانگین رتبه‌ای	ضریب تغییرات	رتبه
			خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم					
۱	۳	آشنایی با روشهای برآورد دقیق و کنترل هزینه	۳	۱	۱۶	۵	۱/۰۴	۲/۸۶	۰/۳۶	۱	
۲	۷	آشنایی با اصول پرداخت پاداش‌ها	۰	۳	۱۲	۸	۰/۹۶	۲/۳۷	۰/۴۰	۲	
۳	۷	آشنایی با نحوه بازپرداخت بدهی‌ها	۱	۷	۸	۶	۱/۲۱	۲/۶۲	۰/۴۶	۵	
۴	۶	آشنایی با بهای تمام شده و سود خالص	۱	۵	۹	۹	۱/۱۰	۲/۵۳	۰/۴۳	۳	
۴	۴	آشنایی با سرمایه ثابت و در گردش	۱	۴	۸	۱۳	۱/۰۱	۲/۵۰	۰/۴۴	۴	
میانگین کل: ۲/۵۸											

میزان آشنایی کارآموزان با تثبیت کسب و کار بر اساس اطلاعات گردآوری شده از میان گویه‌های تثبیت کسب و کار (جدول ۱۰)، آشنایی با راهکارهای گسترش کسب و کار با میانگین ۲/۵۲ بیشترین میزان و آشنایی با راهکارهای

یافتن بازارهای جدید با میانگین ۲/۳۸ کمترین مقدار بوده است. با توجه به میانگین کلی حاصل (۲/۴۵) در این خصوص می توان گفت که میزان آشنایی کارآموزان با «راهکارهای یافتن بازارهای جدید پایین تر از حد «متوسط» بوده است. این یافته نشان دهنده این نکته است که دانش کارآموزان درباره راهکارهای یافتن بازارهای جدید کم است.

جدول ۱۰- میزان آشنایی کارآموزان با تثبیت کسب و کار

ردیف	گویه‌ها	میزان آشنایی					میانگین رتبه‌های	میانگین رتبه‌های	رتبه
		بسیار زیاد	زیاد	متوسط	کم	بسیار کم			
۱	آشنایی با راهکارهای یافتن بازارهای جدید	۰	۳	۹	۱۳	۴	۲/۳۸	۰/۳۶	۲
۲	آشنایی با راهکارهای گسترش کسب و کار	۰	۳	۱۳	۹	۴	۲/۵۲	۰/۳۴	۱
میانگین کل: ۲/۴۵									

میزان آشنایی کارآموزان با مهارت‌های تصمیم‌گیری بر اساس یافته‌های پژوهش از میان گویه‌های مهارت‌های تصمیم‌گیری (جدول ۱۱)، آشنایی با اهمیت انتخاب گزینه سازگار با شرایط با میانگین ۴/۱۱ بیشترین میزان و آشنایی با نحوه اخذ اطلاعات لازم برای تصمیمات موثر با میانگین ۳/۵۴ کمترین مقدار بوده است. با توجه به میانگین کلی حاصل (۳/۸۲) در این خصوص می توان گفت که میزان آشنایی کارآموزان با نحوه اخذ اطلاعات لازم برای تصمیمات موثر و اهمیت داشتن چندین گزینه تصمیم‌گیری پایین تر از حد «متوسط» بوده است. این یافته نشان دهنده این نکته است که دانش کارآموزان درباره نحوه اخذ اطلاعات لازم برای تصمیمات موثر و اهمیت داشتن چندین گزینه تصمیم‌گیری کم است.

جدول ۱۱- میزان آشنایی کارآموزان با مهارت‌های تصمیم‌گیری

ردیف	گویه‌ها	میزان آشنایی					میانگین	انحراف معیار	میانگین رتبه‌ای	ضریب تغییرات	رتبه
		خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم	خیلی کم					
۱	آشنایی با چگونگی مشورت گرفتن از دیگران	۷	۱۵	۳	۲	۱	۰/۹۹	۳/۸۹	۰/۲۵	۲	
۲	آشنایی با نحوه اخذ اطلاعات لازم برای تصمیمات موثر	۴	۱۱	۱۱	۰	۲	۰/۹۹	۳/۵۴	۰/۲۸	۳	
۳	آشنایی با اهمیت داشتن چندین گزینه تصمیم‌گیری	۷	۱۴	۲	۴	۲	۱/۲۰	۳/۶۹	۰/۳۲	۴	
۴	آشنایی با چگونگی بررسی گزینه‌های تصمیم‌گیری	۹	۱۳	۵	۱	۲	۱/۱۰	۳/۸۷	۰/۲۸	۳	
۵	آشنایی با اهمیت انتخاب گزینه سازگار با شرایط	۹	۱۳	۳	۰	۱	۰/۹۱	۴/۱۱	۰/۲۲	۱	
میانگین کل: ۳/۸۲											

میزان آشنایی کارآموزان با مهارت‌های مدیریتی بر اساس اطلاعات گردآوری شده از میان گویه‌های مهارت‌های مدیریتی (جدول ۱۲)، آشنایی با اصول برنامه‌ریزی کسب و کار با میانگین ۲/۶۸ بیشترین میزان و آشنایی با راهکارهای استخدام افراد با میانگین ۲/۳۷ کمترین مقدار بوده است. با توجه به میانگین کلی

حاصل (۲/۴۷) در این خصوص می‌توان گفت که میزان آشنایی کارآموزان با روش‌های سازماندهی کسب و کار، راهکارهای استخدام افراد و راهکارهای مدیریت کسب و کار در شرایط بحران پایین‌تر از حد «متوسط» بوده است. این یافته با نتایج پژوهش‌های چاووشی و همکاران (۱۳۸۹)، لکوکر و همکاران (۲۰۱۲) و استریک و همکاران (۲۰۱۰) که همه بیان می‌دارند آموزش کارآفرینی در مهارت‌های کارآفرینی تاثیر نداشته است همخوانی دارد و با نتایج شکاری و حیدر زاده (۱۳۹۰)، ایزدونی و اکفور (۲۰۱۰)، شکاری و همکاران (۱۳۸۸)، فکری و همکاران (۲۰۱۲) و هاباش و همکاران (۲۰۰۷) که نشان می‌دهند آموزش‌های الگوی کسب و کار (KAB) بر روی دانش کسب و کار و نگرش به کارآفرینی تاثیر داشته است، همخوانی ندارد. این یافته نشان دهنده این نکته است که کارآموزان درباره روشهای سازماندهی کسب و کار، راهکارهای استخدام افراد و راهکارهای مدیریت کسب و کار در شرایط بحران نیاز به آموزش دارند.

جدول ۱۲- میزان آشنایی کارآموزان با مهارت‌های مدیریتی

ردیف	گویه‌ها	میزان آشنایی					میانگین	انحراف معیار	میانگین رتبه‌های	رتبه
		کم	متوسط	زیاد	بسیار زیاد	بسیار کم				
۱	آشنایی با روشهای سازماندهی کسب و کار	۴	۱۱	۹	۴	۰	۰/۹۲	۲/۴۶	۰/۳۷	۳
۲	آشنایی با راهکارهای استخدام افراد	۴	۱۲	۱۳	۱	۰	۰/۷۶	۲/۳۷	۰/۳۲	۱
۳	آشنایی با راهکارهای مدیریت کسب و کار در شرایط بحران	۶	۸	۱۳	۲	۰	۰/۹۰	۲/۳۸	۰/۳۸	۴
۴	آشنایی با اصول برنامه ریزی کسب و کار	۴	۶	۱۳	۵	۰	۰/۹۴	۲/۳۸	۰/۳۵	۲
میانگین کل: ۲/۴۷										

میزان آشنایی کارآموزان با مهارت منابع انسانی

بر اساس اطلاعات گردآوری شده از میان گویه‌های مهارت منابع انسانی (جدول ۱۳)، آشنایی با روش‌های حل تعارض و ایجاد انگیزه با میانگین ۳/۳۸ بیشترین میزان و آشنایی با قوانین و مقررات مربوط به حقوق قانونی و حق بیمه کارکنان با میانگین ۲/۳۳ کمترین مقدار بوده

است. با توجه به میانگین کلی حاصل (۲/۸) در این خصوص می‌توان گفت که میزان آشنایی کارآموزان با اصول ایمنی کارکنان، قوانین و مقررات مربوط به حقوق قانونی و حق بیمه کارکنان و «روش‌های حل تعارض و ایجاد انگیزه پایین‌تر از حد «متوسط» بوده است. این یافته نشان دهنده این نکته است که دانش کارآموزان درباره اصول ایمنی کارکنان، قوانین و مقررات مربوط به حقوق قانونی و حق بیمه کارکنان و روش‌های حل تعارض و ایجاد انگیزه کم است.

جدول ۱۳- میزان آشنایی کارآموزان با مهارت منابع انسانی

ردیف	گروه	گویه‌ها	میزان آشنایی					میانگین	
			بسیار زیاد	زیاد	متوسط	کم	بسیار کم		
۳	۰/۳۷	۲/۶۹	۱	۱	۴	۱۳	۷	۴	آشنایی با اصول ایمنی کارکنان
۲	۰/۳۴	۲/۳۳	۰	۳	۷	۱۷	۳	۳	آشنایی مقررات مربوط به حقوق قانونی و حق بیمه کارکنان
۱	۰/۱۵	۳/۳۸	۰	۲	۱۲	۱۰	۴	۴	آشنایی با روش‌های حل تعارض و ایجاد انگیزه
میانگین کل: ۲/۸									

اولویت‌بندی مهارت‌های کسب و کار و کارآفرینانه مورد نیاز کارآموزان یافته‌های این پژوهش در مورد میزان آشنایی کارآموزان دختر مرکز آموزش فنی و حرفه‌ای ایوان در پایان کارگاه‌های آموزشی مهارتی برگزار شده برای آنها در جدول (۱۴)، آمده است. یافته‌ها بیانگر این نکته است که در پایان دوره‌های مهارتی برگزار شده میزان آشنایی کارآموزان با چگونگی آمادگی برای ورود به کسب و کار، مهارت‌های تصمیم‌گیری، مهارت‌های ارتباطات و مهارت‌های منابع انسانی در اولویت‌های اول تا سوم قرار داشته‌اند. به عبارتی دیگر کارآموزان با این مقوله‌ها آشنایی داشته‌اند. همچنین یافته‌ها نشان داد که در پایان دوره‌های مهارتی برگزار شده میزان آشنایی کارآموزان با چگونگی راه‌اندازی یک کسب و کار،

روش‌های تامین مالی، مهارت‌های بازاریابی، مهارت‌های مالی و حسابداری و مفاهیم و مهارت‌های کارآفرینی در اولویت‌های آخر قرار داشته است. به عبارتی دیگر میزان آشنایی کارآموزان با این مقوله‌ها کمتر از سایر مقوله‌های بررسی شده در این پژوهش بوده است.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

نتایج نشان داد که میزان آشنایی کارآموزان با اصول طراحی و تدوین طرح کسب و کار و مفهوم نوآوری پایین‌تر از حد «متوسط» بوده است. بنابراین پیشنهاد می‌شود که در سرفصل کارگاه‌های آموزشی مهارتی آشنایی با این مهارت‌ها گنجانده شود و برای کارآموزان فرصتی در مورد افزایش مهارت‌های طراحی و تدوین طرح کسب و کار و نوآوری فراهم شود.

جدول ۱۴- مهارت‌های کسب و کار و کارآفرینانه کارآموزان

ردیف	مهارت‌ها	میانگین	انحراف معیار	رتبه
۱	مفاهیم و مهارت‌های کارآفرینی	۱/۳۰	۳/۱۹	۶
۲	آمدگی ورود به کسب و کار	۰/۹۳	۴/۰۵	۱
۳	روش‌های تامین مالی	۱/۲۷	۲/۹	۸
۴	راه اندازی کسب و کار	۱/۲۳	۲/۳۴	۹
۵	مهارت‌های بازاریابی	۱/۰۳	۲/۴	۷
۶	مهارت فروش	۰/۹۴	۲/۶۵	۴
۷	مهارت خدمات	۱/۰۳	۲/۸۵	۵
۸	مهارت‌های ارتباطات	۰/۹۲	۳/۱۹	۳
۹	مهارت‌های مالی و حسابداری	۱/۰۶	۲/۵۸	۶
۱۰	تثبیت کسب و کار	۰/۸۶	۲/۴۵	۴
۱۱	مهارت‌های تصمیم‌گیری	۱/۰۴	۳/۸۲	۲
۱۲	مهارت‌های مدیریتی	۰/۸۸	۲/۴۷	۵
۱۳	مهارت منابع انسانی	۰/۷۷	۲/۸	۲

از میان گویه‌های مهارت‌های بازاریابی میزان آشنایی کارآموزان با اصول و روش‌های تبلیغاتی، مهارت‌های بازاریابی، انواع راهبردهای بازاریابی و انواع بازاریابی پایین‌تر از حد «متوسط» بوده است. بنابراین، پیشنهاد می‌شود که با برگزاری کارگاه‌های آموزشی و ارائه آموزش‌های

مناسب به کارآموزان در زمینه بازاریابی فرصتی برای افزایش مهارت‌های بازاریابی کارآموزان فراهم شود.

نتایج نشان داد که از میان گویه‌های مهارت‌های مالی و حسابداری، میزان آشنایی کارآموزان با روش‌های برآورد دقیق و کنترل هزینه، اصول پرداخت پاداش‌ها، «بهای تمام شده و سود خالص و سرمایه ثابت و در گردش پایین تر از حد «متوسط» بوده است. بنابراین با توجه به اینکه مهارت‌های مالی و حسابداری برای موفقیت در اشتغال و کسب و کارهای کارآفرینانه لازم و ضروری است و افراد باید با این مهارت‌ها آشنایی داشته باشند، بر اساس اطلاعات گردآوری شده از میان گویه‌های نشان‌دهنده آمادگی ورود به کسب و کار، میزان آشنایی کارآموزان با اهمیت انتخاب کسب و کار براساس مهارت شخصی و نیز انگیزه ورود به کسب و کار پایین تر از حد «متوسط» بوده است این یافته نشان دهنده این است که کارجویان مورد مطالعه آمادگی زیادی برای فعالیت در بخش خصوصی نداشته اند. به عبارتی دیگر، این افراد خود را برای انجام فعالیت‌های کارآفرینانه آماده نکرده اند.

یافته‌ها بیانگر این نکته بود که از میان گویه‌های راه‌اندازی کسب و کار میزان آشنایی کارآموزان با چگونگی استفاده از تسهیلات بانکی، قوانین و مقررات شروع و راه‌اندازی کسب و کار و آشنایی با قوانین و مقررات بیمه‌ها و قراردادهای پایین تر از حد «متوسط» بوده است. در میان مقوله‌های راه‌اندازی کسب و کار کمترین آشنایی کارآموزان با قوانین و مقررات بیمه‌ها و قراردادهای بوده است. بنابراین نظر به اهمیت آشنایی افراد جویای کار با قوانین و مقررات بیمه‌ها و قراردادهای مربوط به راه‌اندازی کسب و کار برای آغاز فعالیت‌های اقتصادی در بخش خصوصی پیشنهاد می‌گردد دوره‌های آموزشی کارآفرینی با محتوای قوانین و مقررات بیمه‌ها و قراردادهای مربوط به راه‌اندازی کسب و کار برای کارآموزان برگزار شود.

بر اساس اطلاعات گردآوری شده از میان گویه‌های نشان‌دهنده تثبیت کسب و کار می‌توان گفت که میزان آشنایی کارآموزان با راهکارهای یافتن بازارهای جدید پایین تر از حد «متوسط» بوده است. در میان گویه‌های نشان‌دهنده تثبیت کسب و کار، کارآموزان کمترین آشنایی را با راهکارهای یافتن بازارهای جدید داشته‌اند. بدون شک اداره و تثبیت هر کسب و

کاری بدون آشنایی با راهکارهای یافتن بازارهای جدید مقدور نمی‌باشد. بنابراین پیشنهاد می‌گردد برای کارآموزان دوره‌های آموزشی با موضوع راهکارهای یافتن بازارهای جدید برای تثبیت کسب و کار برگزار شود.

نتیجه‌گیری

بر اساس یافته‌های این پژوهش، می‌توان گفت با وجود نبود آشنایی کارآموزان با اصول طراحی و تدوین طرح کسب و کار و نداشتن شناخت درباره مهارت‌های مالی و حسابداری برای آغاز یک فعالیت اقتصادی، نداشتن شناخت درباره مهارت‌های بازاریابی، نداشتن شناخت درباره قوانین و مقررات بیمه‌ها و قراردادها، نداشتن شناخت درباره چگونگی مدیریت و تثبیت یک کسب و کار و نیز پایین بودن آشنایی آنان با ارائه خدمات در شرایط بحران، چگونه می‌توان انتظار داشت که شاهد انجام فعالیت‌های کارآفرینانه توسط کارآموزان باشیم؟ بنابراین پیشنهاد می‌شود که سازمان آموزش فنی و حرفه‌ای نسبت به طراحی الگوی نظام آموزش‌های کارآفرینانه برای کارآموزان اقدام نماید تا کارآموزان مهارت آموخته در کارگاه‌های سازمان آموزش فنی و حرفه‌ای علاوه بر یادگیری مهارت‌های فنی، مهارت‌های کارآفرینانه را نیز فراگیرند تا بتوانند با فراگیری یک مهارت، توانایی راه‌اندازی و اداره یک کسب و کار را داشته باشند.

منابع

- احمدی، م (۱۳۸۵). نیازسنجی آموزش کارآفرینی در دانشجویان دوره کارشناسی رشته برق دانشکده فنی دانشگاه تهران، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران.
- آراستی، ز و غلامی، م (۱۳۸۹). علل شکست کارآفرینان در ایران. توسعه کارآفرینی، ۴، ۱۰۷-۱۲۸.
- آغاز، م ح (۱۳۸۱). ارزیابی اثربخشی دوره‌های آموزشی در کارایی کارآموزان اداره کل فنی و حرفه‌ای استان مرکزی.
- بند پی، ش (۱۳۹۱). بررسی تاثیر آموزش مهارت‌های کارآفرینی بر نگرش دانشجویان نسبت به بازار کار و خود پندارنده شغلی (مطالعه موردی: دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد فیروزکوه). فصلنامه مدیریت، سال نهم، پاییز ۱۳۹۱، ص ۱۹-۲۹.
- چاوشی، زا؛ فراهانی، ا و گودرزی، م (۱۳۸۹). نقش محتوای درسی و کمک درسی کارشناسی ارشد تربیت بدنی در تامین مهارت‌های کارآفرینی دانش‌آموختگان از دیدگاه کارفرمایان. پژوهش در علوم ورزشی، شماره ۸، ۱۳۹-۱۵۲.

- دربان آستانه، ع ر؛ قدیری، م و فیروزی، م ع (۱۳۹۱). بررسی ارتباط بین عملکرد سازمانی و مهارت‌های کارآفرینی مدیران محلی روستایی. پژوهش‌های روستایی، سال سوم، شماره ۱، ۵۹-۲۷.
- دیزجی، م، و زینی، م (۱۳۹۷). بررسی تأثیر آموزش‌های دانشگاهی بر توسعه‌ی مهارت‌های کارآفرینی زنان. فصلنامه رشد فناوری، سال پانزدهم، شماره ۵۷.
- ذوالفقاری، م (۱۳۸۵). نگاهی به طرح کارورزی فارغ‌التحصیلان دانشگاهی در برنامه چهارم توسعه. مجموعه مقالات آموزش عالی و نظام آموزشی کشور. دومین همایش اشتغال و نظام آموزش کشور، تهران: دانشگاه تربیت مدرس، ۳۶۴-۳۶۵.
- شرفی، و؛ ملکی مینباش رزگاه، م؛ زارعی، ع؛ فیض، د (۱۳۹۶). شناسایی و دسته‌بندی ذهنیت کارآفرینان نسبت به قلمرو اکوسیستم بازاریابی بین‌المللی با استفاده از روش کیو. فصلنامه مدیریت بازرگانی، ۹(۳)، ۵۵۱-۵۷۲.
- شکاری، ع؛ ارفعی، ف، و محمدی، ع (۱۳۸۸). تطبیق کارایی برنامه درسی کارآفرینی از دیدگاه دانشجویان آموزش‌گده فنی و حرفه‌ای کاشان. پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد، دانشگاه کاشان.
- شکاری، ع، و حیدرزاده آرانی، س س (۱۳۹۰). بررسی اثربخشی آموزش‌های حرفه‌ای بیمه بر عملکرد کارکنان شرکت‌های بیمه از نظر مهارت‌های کارآفرینی. فصلنامه توسعه کارآفرینی، س ۴، ش ۱۳، ص ۱۲۸-۱۰۹.
- صالحی عمران، ا؛ و رستمی، ف (۱۳۸۸). بررسی تأثیر آموزش‌های دانشگاهی در پرورش ویژگی‌های کارآفرینی دانشجویان. فصلنامه مدیریت و برنامه‌ریزی در نظام‌های آموزشی، دوره ۱، شماره ۲.
- عسگری فرد، ک؛ ابراهیمی، الف و علوی، م (۱۳۹۷). آرایه الگوی آموزشی توسعه توانمندی‌های کارآفرینانه در دانش‌آموزان با میانجی‌گری ویژگی‌های شخصیتی. توسعه کارآفرینی: ۱۱(۳۹)، ۱۲۰-۱۰۱.
- کاشانی، ت؛ رسولی، م و سلیمانپور، م ر (۱۳۹۶). بررسی عوامل موثر بر فعالیت‌های کارآفرینی دانشجویان رشته کشاورزی دانشگاه فنی و حرفه‌ای تهران. فصلنامه پژوهش‌های ترویج و آموزش کشاورزی، سال دهم، شماره ۱.
- محمد الباسی، ق؛ و نوتاش، ه (۱۳۹۰). شناسایی ریشه‌های شکست کارآفرینان کارگشته ایرانی: نگاهی روایتی گفتمانی، توسعه کارآفرینی، ۴(۱۳)، ۵۰-۳۱.
- نادری، الف. (۱۳۹۰). اقتصاد آموزش، چاپ سوم، تهران: انتشارات یسپرون.
- هیستریچ، رابرت دی، پیترز و مایکل پی (۱۳۸۳): کارآفرینی. ترجمه سید علیرضا فیض بخش و حمیدرضا تقی‌یاری، انتشارات علمی دانشگاه صنعتی شریف.

- Adeyemo, S(2009). Understanding and acquisition of entrepreneurial skills: A pedagogical re-orientation for classroom teacher in science education, *Journal of Turkish Science Education*, 6 (3), 2009, 57- 65.
- AL-Habash,D &Achi,D &Kabbani,N(2007). Assessing The Effect of Know About Business (KAB) on the Knowledge and Attitudes of University Students. The Syria Trust for Development Research Division, PP.1-24.
- Badawi, A A(2011). Creating the ecosystems for entrepreneurship success: technology parks. Presentation for conference on Entrepreneurship for Scientists, Amman, 20–24 March 2011.
- Boz, A, Ergeneli, A(2014). Women entrepreneurs' personality characteristics and parents' parenting style profile in Turkey. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 109, 92-97.
- Din, H; B Rahim, Anuar, A and Usman, M(2016). The effectiveness of the entrepreneurship education program in upgrading entrepreneurial skills among public university students. *Procedia - Social and Behavioral Sciences*, 224, 117 – 123.
- Fekri, Katrin & Shafiabady, Abdollah & Noranipour ,Rahmatollah(2012). Determine and Compare Effectiveness of Entrepreneurship Education Based On Multi - axial Model and Theory of Constraints and Compromises on Learning Entrepreneurship Skills. *Journal of Procedia-social and Behavior sciences*, Vol.69, pp.566-570.
- Hoseinpour A, Rezaee M(2011). Attitudes of agriculture students to entrepreneurship, *Journal of Entrepreneurship Development*, 3, 10(10):135-153.
- Izedonmi, Prince F & Okafor, C(2010). The Effect Of Entrepreneurship Education On Student' Entrepreneurial Intention. *Global Journal of management and Business Research*, Vol. 10, PP.49-60.
- Kolvereid, L(1997). Entrepreneurship among business graduates: does a major in entrepreneurship make a difference? *Journal of European Industrial Training*, 21(4), 154–160.
- Lekoko, M & Rankhumise, E M & Ras, P (2012).The Effectiveness of Entrepreneurship Education: What Matters Most?. *African Journal of Business management*, Vol.6, PP.12023-12033.
- Marzban, Shahrbanoo, Movahedi , Roghayeh and Nouri Khadijeh(2017). An Analysis of Barriers to Entrepreneurship Education in Schools. *Management and Entrepreneurship Studies*, 1,83-97, [In Persian].

- Mourshed, Mona, Diana Farrell, and Dominic Barton(2013). Education to employment: Designing a system that works. McKinsey&Company. Web.13 Apr.
- Oates, T(2010). Parity of esteem between academic and vocational qualifications: time to abandon a misguided notion. Paper presented to Edge/Gatsby conference on technical education London Dec 201.
- Olugbola S A(2017). Exploring entrepreneurial readiness of youth and startup success components: Entrepreneurship training as a moderator. Journal of Innovation & Knowledge,2 (3), 155-171.
- Oosterbeek, H, Praag, M & Ijsselstein, A(2010). The impact of entrepreneurship education on entrepreneurship skills and motivation. European Economic Review, 54 (3), 442- 454.
- Rezvani, M R & Najarzadeh M(2009). Study and Analysis of Villagers, Background Knowledge on Entrepreneurship in the Process of Rural De-velopment Case Study: South Baraan District (Isfahan County), Journal of Entrepreneurship Development, 1(2):161-182.
- Sanchez, J C(2011). University training for entrepreneurial competencies: Its impact on intention of venture creation. International Entrepreneurship and management Journal, Vol. 7, No. 3, PP 293-254.
- Seif, Y, Mohamadzamani, M, Shojae, Y & Moghadam, R(2018). Entrepreneurial marketing, the marketing capabilities and performance in project-based businesses. Journal of Business Management, 10 (1), 145-164, [In Persian].
- Tudor, S L(2013). Formal - non-formal – informal in education. Procedia - Social and Behavioral Sciences, 76, 821 – 826.
- UNESCO Strategy for Technical and Vocational Education and Training(2016-2021), Published in 2016 by the United Nations Educational, Scientific and Cultural Organization 7, place de Fontenoy, 75352 Paris 07 SP, France.
- Valerio, A; Parton, B & Robb, A(2014). Entrepreneurship education and training programs around the world. Washington DC: The World Bank.
- Wilson, F, Kickul, J, & Marlino, D(2007). Gender, entrepreneurial self-efficacy, and entrepreneurial career intentions: Implications of entrepreneurship education, Entrepreneurship Theory and Practice, Vol 31, No. 3, pp 387-406.

- Woods, D(2008). the impact of vocational education and training on transition to work for young people in Australia. Journal Education and Training, 50: 465- 483.
- Yang, M(2018). International entrepreneurial marketing strategies of MNCs:Bricolage as practiced by marketing managers, International Business Review, 27(5): 1045-1056.

